



برایش بسازی. خوب وقتی یک آهنگساز با کارگردانی روبه‌رو می‌شود که می‌داند برای چی این پلان را کوتاه یا بلند گرفته و اصلاً از موسیقی چه می‌خواهد خوب این بهترین کمک برای من بود که بیشترین توانم را در خدمت موسیقی بگذارم و به بیان بهتر فیلم کمک کنم. به دیگر بیان، هم نگاه ایشان برای من مشخص بود هم می‌دانستم اواز من چه می‌خواهد و این طوری یکدیگر را کامل می‌کردیم. برای یک آهنگساز این اتفاق یک موهبت و حس غنیمتی است که شاید دربارهٔ بسیاری از کارگردانان صدق نکند.

گروهی که برای ارکستر انتخاب کردید چه ویژگی‌هایی داشت؟

من تا امروز هر گاه موسیقی فیلم ضبط کرده‌ام از بهترین نوازندگان موجود بهره برده‌ام. آن زمان هنوز مهاجرت اصلی موسیقیدانان ایرانی شروع نشده بود و نوازندگان ارکستر سمفونیک در تهران همه از برجسته‌ترین افراد بودند. ما به کمک دوستان نوازنده سازهای مختلفی را آوردیم تا ارکستر بزرگی فراهم شود. بعد از این بود که با مهاجرت بسیاری از دوستان، ما با دست خالی باید کار می‌کردیم و دیگر چنین تجربه‌ای تکرار نشد و من دیگر کاری را با این حجم ساز و نوازنده تجربه نکردم.

نیاز به وجود چنین ارکستری با این حجم به خاطر درخواست کارگردان بود یا شما؟

معمولاً هر فیلم با محتوا و فرمش به آهنگساز می‌گوید که چه آهنگی را نیاز دارد و هر فیلمی تکنیک خودش را دارد. برای فیلمی مانند سفیر حتماً به موسیقی‌ای اینچنینی لازم داشتیم چرا که مبنای ساخت فیلم و کارگردان و تمام اجزای آن از فیلمنامه و کارگردانی تابازی و صحنه چنین آهنگی را طلب می‌کردند. ممکن است فیلمی دیگر نیاز به این حجم موسیقی نداشته باشد.

اگر قرار به مقایسه با دادن رتبه به آثار تان باشد. «سفیر» چه جایگاهی در میان آثار شما دارد؟

من این کار را در آثار درجهٔ یک خودم قرار می‌دهم. اگر برای کارهای یک هنرمند درجه یا سه‌رده فائل شویم این کار همیشه برای من بی‌نظیر و یکی از بهترین‌ها را جهت بوده است. هم به لحاظ تخصصی و فنی و هم به لحاظ ارتباط آهنگساز با فیلم و کارگردان.

نگاه شما به موسیقی‌ای که برای یک اثر مذهبی و تاریخی می‌سازید چگونه است؟

اگر ارتباط موسیقی با تصویر درست باشد اثرش را حتماً روی فیلم و مخاطب خواهد گذاشت. زمانی باید انتظار داشته باشیم که یک موسیقی بتواند آن شور دینی و مفهوم تاریخی را منتقل کند که ارتباط درستی با فیلم برقرار کرده باشد. یک نکتهٔ مهم در این موفقیت این است باید موسیقی برای همان پلان ساخته شود، نمی‌شود موسیقی‌هایی که در صحنه‌های مختلف کار شده برای صحنه‌های دیگر تکرار شود. در حالی که در بسیاری از فیلم‌ها می‌بینیم که موسیقی متنی که ساخته شده بعداً روی صحنه‌های دیگر هم می‌آید و این طوری است که تأثیر خودش را از دست می‌دهد. به طور نمونه من در این فیلم و تمام فیلم‌هایی که کار کرده‌ام همیشه برای هر صحنه‌ای موسیقی خاص آن را ساخته‌ام و به هیچ وجه موسیقی عامی نمی‌سازم که در همه صحنه‌ها قابل استفاده باشد. برای همین است که هر موسیقی‌ای که در آن فیلم است مناسب همان صحنه‌ای است که برایش ساخته شده و اگر جای دیگری بگذاریم اثرش را از دست می‌دهد.

اما فکر نمی‌کنید این اتفاق مخاطب را از بهره‌بردن بیشتر از این موسیقی محروم کند و دسترسی اش را محدود کند؟

در سینما اصطلاحی است به نام لایت موتیف به معنی شخصیت پردازی، در موسیقی که منحصر برای شخصیت اصلی فیلم رخ می‌دهد. یک تم برای این شخص انتخاب می‌شود و هر جا او می‌رود و هست بسته به حال و هوای صحنه با تغییراتی در ارکسترسیون و هارمونی تکرار می‌شود در عین حال ملودی فیلم هم در کنار آن در جریان است. در واقع این طور نیست که یک ملودی خاص با یک کاراکتر خاص ساخته شود و عین آن در جاهای مختلف تکرار شود. در واقع ما چه کار می‌کنیم؟ ما یک تم برای شخصیت اصلی می‌سازیم و در صحنه‌های مختلفی که او حضور دارد حالا چقدر طولانی باشد و چقدر کوتاه اجرا می‌کنیم. در این جا تنظیم ارکستری اش و سیستم‌ها همونی اش با حال و هوای شخصیت تغییر کرده ولی تم همان تم است. ملودی همان است ولی با حال و هوای دیگر. برای همین وقتی شما آن موسیقی را می‌شنوید یاد آن شخصیت و آن صحنه می‌افتد. این اتفاق را شخصیت پردازی در موسیقی فیلم می‌گویند که یکی از رموز جاودانه شدن آهنگ‌های یک فیلم در جهان است.

آیا دوست دارید یک بار دیگر این آهنگ را اجرا کنید؟

شاید یکی از آرزوهای من باشد و خیلی‌ها پیشنهاد این کار را داده‌اند که کل اثر را به عنوان یک اثر مستقل هنری اجرای صحنه‌ای بکنیم اما واقعا جمع کردن ارکستری به این گستردگی الان امکان ندارد و باید حتماً تشکیلاتی مانند وزارت ارشاد، صدا و سیما و... پشت این کار باشد. متأسفانه بضاعت موسیقی ما به نسبت آن زمان اندک شده و به لحاظ امکانات و نوازندگان دیگر آن زمان تکرار نمی‌شود.

فیلم می‌سازم. من تلاشم همیشه این بوده که هر موسیقی‌ای که می‌سازم حرف تازه‌ای برای گفتن داشته باشد. همیشه برای هر فیلمی که موسیقی می‌سازم به اندازه کافی وقت می‌گذارم و تلاش می‌کنم موسیقی تابع فیلم باشد نه اینکه جلوتر از فیلم حرکت کند.

حضور کارگردان در بوجود آمدن این اثر چقدر مهم بوده است؟

در این میان صحبت‌هایی که با کارگردان می‌کنم خیلی مهم است. هر چه این تبادل نظر بیشتر و حس‌ها به هم نزدیک‌تر باشد کار خودش را نشان می‌دهد. من بسیار به نظر و خواست کارگردان و نیاز فیلم توجه می‌کنم چرا که هدف فقط این نیست که یک موسیقی ساخته شود و کار را تمام کنیم بلکه خیلی از فاکتورها برآیم مهم است موضوع فیلم، ساختار آن و اطلاعاتی که از طریق کارگردان به آهنگساز منتقل می‌شود همگی مهم‌اند.

شما این موسیقی را در زمانی ساختید که موسیقی فیلم بعد از انقلاب هنوز شکل نگرفته بود. سوای این‌ها فیلم تجربه‌ای تازه را در ژانر خود شروع می‌کرد و شاید صحبت کردن دربارهٔ این موضوعات آن هم در فضای جنگ و وجود خط قرمزهای شدید دینی کمی سخت بود.

خوشبختانه آقای صالح کارگردانی هستند که نگاه خیلی روشن و واقع‌بینانه همهٔ این فضاها را درک کرده بودند و می‌دانستند چه می‌خواهند. وقتی من به گروه پیوستم با موضوع مبهمی روبه‌رو نشدم. بخش مهمی از کار را خود کارگردان کرده بود یعنی برای من مشخص کرده بود که هر پلان چقدر زمان دارد و در این زمان چه مقدار موسیقی و با چه حجمی لازم است و اصلاً قرار است موسیقی در این پلان چه نقشی را بازی کند و یا چه حسی را به بیننده منتقل کند... در واقع مواردی که ما صحبت می‌کردیم همین بود که مثلاً این پلان خاص را این قدر برایش وقت گذاشتیم که موسیقی

به عنوان یک هنر شناخته می‌شود، نه صرفاً به عنوان موسیقی‌ای که روی فیلم قرار می‌گیرد به همین دلیل اغلب آهنگسازان تلاش می‌کنند کارشان به عنوان یک اثر هنری مطرح شود. من خودم شخصاً دهه شصت را به عنوان دوران طلایی آهنگسازی برای فیلم نامگذاری می‌کنم و موسیقی فیلم سفیر هم یکی از آن‌هاست.

ویژگی مهمی که در این موسیقی به چشم می‌آید از نگاه شما چیست؟

این اثر را از هر جهت که بررسی بکنم ویژه و منحصر به فرد است. به لحاظ ارکستری که انتخاب شده بی‌نظیر است و تکرار دوبارهٔ آن به همین سادگی‌ها نیست. به جهت هماهنگی میان کارگردان و آهنگساز هم ویژه است چرا که انس و الفتی میان ما برقرار شد که دوست داشتیم همه کارهای بعدی ایشان را خودم بر عهده بگیرم که این اتفاق در فیلم بعدی ایشان افتاد. ایشان از روز اول می‌دانستند که چه می‌خواهند و چه هدفی را دنبال می‌کنند برای من مشخص کرده بودند که هر پلان چقدر موسیقی لازم دارد

در انتخاب سازها چه عناصری را در نظر داشتید؟

سازها را بر اساس اینکه صحنه‌ها چطور چیده شده‌اند و کجا باید موسیقی پر حجم باشد یا کم حجم انتخاب کردم. به همین خاطر تصمیم گرفتم به لحاظ ساز بندی و حجم صدایی که نیاز دارد از ارکستر بزرگ استفاده کنیم. من یک ارکستر سمفونیک کامل برای فیلم در نظر گرفتم. بسته به هر پلان فیلم در بعضی قسمت‌ها تعداد سازها کمتر و در بعضی جاها خصوصاً بخش پایانی کامل تر می‌شد. قصد من این بود هیبتی که در این فیلم هست، دیده شود.

آیا در ساخت این اثر متاثر از یک موسیقی خاص بودید یا پیش زمینه‌ای داشتید؟

نه، هیچ پیش زمینه‌ای نداشتیم. چون همیشه موسیقی را بر اساس خود